

بررسی نقش هویت یابی زنانه در عملکرد نمایندگان زن در مجلس پنجم شورای اسلامی

فاطمه حقانی صرمی^۱، غلامحسین زرگری نژاد^۲، سینا فروزش^۳

چکیده

مهم‌ترین عرصه‌ی مشارکت سیاسی زنان ایران پس از وقوع انقلاب اسلامی، قوه قانونگذاری به ویژه در مجلس پنجم بوده است؛ دوره‌ی پنجم مجلس شورای اسلامی شاهد حضور بیش‌ترین تعداد زنان در مقام نمایندگی مجلس بود. در این دوره زنان نماینده موفق به تصویب قوانین مهمی در جهت بهبود وضعیت زنان در جامعه‌ی ایران شدند. پرسش اصلی در این مقاله این است که چه عواملی باعث موفقیت نمایندگان زن در تصویب قوانین مربوط به زنان در مجلس پنجم شدند؟ این پژوهش با مراجعه به مشروح مذاکرات مجلس پنجم، کتابخانه‌ی مجلس و نشریات صورت گرفته و مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی است. در این پژوهش، ضمن بیان پیشینه‌ی مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، با بررسی مصوبات مجلس پنجم شورای اسلامی در خصوص زنان، به تبیین نقش و عملکرد نمایندگان زن پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش نشانگر آن هستند که افزایش سطح مشارکت سیاسی زنان در جامعه‌ی ایران و در پی آن، افزایش تعداد نمایندگان، تحصیلات بالاتر نمایندگان زن نسبت به دوره‌های پیشین، روی کار آمدن دولت هم‌سو با رویکرد توجه به حقوق زنان، تغییرات فرهنگی-اجتماعی در جامعه و تأثیر رسانه‌ها در افزایش آگاهی زنان، از عوامل موثر در موفقیت نمایندگان زن در مجلس پنجم به شمار می‌آیند. ضمناً با در نظر گرفتن نقش عامل "هویت" در فرایند تصویب قوانین مربوط به مطالبات زنان، گفتمان‌های هویتی موجود در حوزه‌های سیاسی-اجتماعی و جایگاه زنان در انقلاب اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی از عوامل تعیین کننده در تصویب قوانین به شمار می‌روند.

واژگان کلیدی: مجلس شورای اسلامی، زنان نماینده، نمایندگی مجلس، مجلس پنجم، مصوبات، مشارکت.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۷/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۴/۳۱

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Email: fhaghany@yahoo.com)

^۲ استاد تاریخ اسلام، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول) (Email: zargari53@gmail.com)

^۳ استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Email: sinaforosezh@gmail.com)

مقدمه

به طور تقریبی نیمی از جمعیت فعال هر جامعه‌ای متشکل از اجتماعات زنانی است که می‌بایست در کنار ایفای نقش اصلی خویش در خانواده یعنی همسررداری، تربیت فرزندان و خانه‌داری به مسئولیت‌های جمعی خود نظیر مشارکت سیاسی و اجتماعی نیز پردازند. گروهی از زنان در راستای علایق فردی چنین مشارکت‌هایی را ضرورت می‌دانند و گروهی دیگر حضوری فعال و مؤثر داشتن در جامعه خویش را ضرورتی لاینفک از زندگی اجتماعی خود می‌پندارند در نتیجه زنان نقش مهمی در رهیافت توسعه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه‌ایفا می‌نمایند. در راستای بررسی و مطالعه تاریخچه چگونگی پیدایش فعالیت‌ها و مشارکت زنان در ایران، به سابقه‌ای خواهیم رسید که این تغییرات فرهنگی و نگرشی به وضعیت سنتی زنان به اواخر قرن نوزدهم و بخصوص انقلاب مشروطه بازمی‌گردد. چرا که در کمال تأسف تا آن دوران فرهنگ مردسالاری حاکم بر جامعه سنتی ایران دیدگاهی تحقیرآمیز و پستی نسبت به منزلت اجتماعی زنان داشته و امکان هر گونه فعالیت سیاسی و اجتماعی را از آنان سلب نموده بود. وقوع انقلاب اسلامی ایران تحت رهبری امام خمینی (ره) را می‌توان به مثابه نقطه‌ی عطفی در روند مشارکت سیاسی زنان ایرانی دانست. هم‌گام با گسترش آموزش عالی و افزایش تعداد زنان تحصیل کرده، آگاهی و توان‌مندی‌های زنان ایران به گونه‌ای ارتقاء یافته است که دیگر نمی‌توان آنان را در حاشیه‌ی مناسبات سیاسی - اجتماعی نگاه داشت. زنان در کنار حضور و مشارکت در تجربه‌های سیاسی - اجتماعی همانند جنگ، انتخابات، احزاب و انجمن‌ها توانسته‌اند نوع دیگری از مشارکت سیاسی با عنوان مشارکت در سطح نخبگان همچون حضور در مجلس شورای اسلامی را تجربه کنند. در چنین جایگاهی زنان به عنوان نیمی از اعضای جامعه و نیروی فعال و محوری مطرح می‌شوند. نیرویی که با فعالیت دوش تا دوش با مردان می‌توانند سهم مهمی در توسعه و بهبود وضعیت کشور ایفا نمایند. اهمیت و حضور زنان در عرصه‌های سیاسی برای به ثمر رسیدن توسعه‌ی هم‌جانبه از یک سو و افزایش حضور زنان در مراکز علمی و دانشگاهی باعث شده تا امروز مشارکت سیاسی زنان در سطح نخبگان مورد توجه قرار گیرد. بدین جهت ارزیابی و بررسی عملکرد نمایندگان زن مجلس پنجم شورای اسلامی به عنوان امری مهم در تسریع فرایند توسعه ضروری به نظر می‌رسد.

پرسش و فرضیه تحقیق

این اثر پژوهشی در پاسخ به این پرسش نوشته شده است که چه عواملی باعث موفقیت نمایندگان زن در تصویب قوانین مربوط به مطالبات زنان در مجلس پنجم شدند؟ در پاسخ به این سوال این فرضیه مطرح گردیده است که افزایش میزان مشارکت سیاسی زنان و در پی آن، افزایش تعداد نمایندگان زن در مجلس پنجم، سطح بالاتر تحصیلات نمایندگان زن نسبت به دوره‌های پیشین، روی کارآمدن دولت همسو با رویکرد توجه به حقوق زنان، تغییرات فرهنگی - اجتماعی در جامعه‌ی ایران و نقش رسانه‌ها در افزایش میزان آگاهی‌های زنان از عوامل مؤثر در موفقیت نمایندگان زن مجلس پنجم به شمار می‌آیند.

مبانی نظری

تمام جوامع نیازمند ساختن "معنا" برای اعضای خود هستند. چرا که دوام و بقای جوامع، به ایجاد مشروعیتی بستگی دارد که از طریق آن، فرد به هژمونی نهادهای سیاسی اجتماع تن داده و قواعد زیست محیط خود را می‌پذیرد. نهادهایی هم‌چون خانواده، مدرسه، نهادهای دینی، نهادهای مدنی، دولت‌ها، همه و همه در خدمت هژمونی‌ای قرار دارند که در جهت معنابخشی به واقعیت عمل می‌کند و حتی گاهی خود نیز واقعیت را برای فرد می‌سازد در این مسیر، نظام‌ها با ایجاد گفتمان‌هایی تلاش می‌کنند که بقا و دوام خود را در فضای درونی و بیرونی تضمین کنند انسان در مسیر زیستار خود، دست به ساختن نظام‌های معنایی می‌زند. این نظام‌های معنایی، نقش‌های هویتی ویژه‌ای را برای او می‌آفرینند. هم‌چنان که واقعیت اجتماعی ناب وجود ندارد، گفتمان خنثی و بی‌طرف نیز وجود ندارد. بلکه ما با گفتمان‌ها یا متن‌های وابسته به شخص خاص، جناح خاص، ایدئولوژی خاص، فرهنگ خاص و غیره مواجه هستیم که نقش کنش‌های اجتماعی و اندیشه‌ها در زندگی سیاسی انسان را نقشی معنادار می‌داند.

جامعه‌ی زنان در میان اجتماعات گوناگون اجتماعی به خصوص در مقابله با گروه مردان در حوزه‌های مهمی چون هویت‌یابی با دشواری‌های زیاد و متفاوتی مواجه هستند؛ به ویژه آنکه به شدت در مضیقه منابع و سرچشمه‌های ضروری برای فهم و معنا بخشی، توانایی لازم در جهت قدرت بخشی به اجتماع خود را نیز ندارند. از مهم‌ترین دلایلی که می‌توان برای این ضعف در این بحث بدان اشاره نمود، عمدتاً بدین علت که منابع هویتی زنان تحت‌الشعاع جنسیت یا خاستگاه اجتماعی و طبقاتی همسران آن‌ها قرار گرفته و همواره به خاستگاه‌هایی مرتبط بوده و می‌شود.

از منظر گفتمانی، مهم‌ترین دلیل مشارکت زنان در امور قانون‌گذاری، "هویت‌یابی" و توجه به هویت زنانه ارزیابی می‌گردد شایان به ذکر است زمانی که زنان جامعه از خودآگاهی اجتماعی لازم و تسلط کامل بر شناخت نقش‌های گروه خویش باشند، گستره‌ی مشارکت زنان در تمامی اقشار جامعه دارای اهمیتی خاص می‌گردد و زمینه‌های انحرافات، باورهای غلط و برداشت‌های شخصی نسبت به این حرکت اجتماعی از بین رفته و شاهد افزایش سهم جامعه زنان در فراگرد توسعه جامعه خواهیم بود.

پیشینه تحقیق

مقاله‌ی "جدال موافقان و مخالفان حق رای زنان برای شرکت در انتخابات" (عسگری؛ شوهانی، ۱۳۸۹) که در مجل تابستان ۱۳۸۹ در شماره‌ی هشتم نشریه‌ی مجله‌ی پیام بهارستان منتشر شده است، حاوی ده سند تاریخی در خصوص نظریات سیاستمداران موافق و مخالف حق رای زنان در تاریخ معاصر ایران است.

مقاله‌ی "تحلیل گفتمان جامعه‌شناختی مذاکره‌های مجلس هشتم شورای اسلامی در خصوص قانون حمایت از خانواده" تألیف نوریه انصارین، حسن سرایی، باقرساروخانی و فیروز راد که در تابستان ۱۳۹۷ در مجله‌ی مطالعات جامعه‌شناسی منتشر شده، یکی از مقالات معتبر در حوزه‌ی بررسی متنی، زمینه‌ای و تفسیری متن جلسات مذاکره نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جهت تحلیل گفتمان خانواده است. اگرچه روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش "تحلیل گفتمان" است و علیرغم توجه به تحلیل متون، عملاً نویسندگان، به روابط میان نظام سیاسی، قدرت و هژمونی و بازتاب آن در زبان، توجه اندکی نموده‌اند.

در مقاله‌ی "تحلیل فرهنگی سیاست حضور زنان در مجلس شورای اسلامی ایران" که توسط سیمین حاجی‌پور ساردویی و مجتبی مقصودی نوشته شده و در پاییز ۱۳۹۵ در پژوهشنامه علوم سیاسی منتشر شده است، با بهره‌گیری از روش‌های کمی پیمایشی با ابزار پرسشنامه و روش کیفی مصاحبه نیمه‌ساختاری عمیق، سرچشمه‌های نابرابری جنسیتی در سطح کلان سیاسی و دلایل عدم توجه جامعه به انتخاب زنان در انتخابات مجلس مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

کتاب "زنان در عرصه قانون‌گذاری ایران (۱۳۹۵-۱۲۸۵)" به قلم منوچهر نظری که توسط نشر کویر منتشر شده است، با اشاره به جنبش‌های حق رای زنان در اروپا و آمریکا، سیر و روند تاریخی مبارزات زنان از دوره‌ی قاجار برای به دست آوردن حق رای و انتخاب شدن زنان و سوابق و فعالیت زنان نماینده در دوره‌های پهلوی دوم و جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نقطه قوت این کتاب در جامع بودن آن و نقطه ضعف آن در تکیه بیش از اندازه بر روش توصیفی است.

روش تحقیق

روش انجام تحقیق بستگی به اهداف و سوالات تحقیق، دامنه تحقیق، ماهیت موضوع تحقیق و امکانات اجرایی آن دارد تحقیق حاضر با توجه به ماهیت، اجتماعی و با توجه به روش در زمره تحقیقات توصیفی-تحلیلی قرار دارد. مطالعات این تحقیق به شیوه کتابخانه‌ی و با مراجعه به اسناد، کتب، مقالات و سایر متون چاپی گردآوری شده است. تجزیه و تحلیل مطالعات هم با رویکرد کیفی و مبتنی بر منطق و استدلال صورت گرفته است. علاوه بر این، محقق در راستای پاسخگویی به سوالات تحقیق و دستیابی به اهداف تعیین شده، از رویکرد تحلیل محتوا نیز بهره برده است که در آن به تفسیر محتوایی داده‌های کیفی مربوطه پرداخته شده است.

مشارکت زنان ایرانی در عرصه سیاسی

در دوره پهلوی اول، علیرغم شکل‌گیری نهادهای مدرنی همانند مدارس جدید و دانشگاه‌ها، نهادهای درمانی مدرن، صنایع و کارخانه‌های جدید، نهادهای اداری، دادگستری جدید و تلاش برای حضور زنان در جامعه، به دلیل بسته بودن وضعیت سیاسی، گام جدیدی در راستای مشارکت سیاسی زنان برداشته نشد و به کشف حجاب زنان بسنده شد «رویارویی ایرانیان با غرب و آشنایی تجددطلبان ایرانی با ظواهر تمدن غربی، مروج این اندیشه در ذهن آنان شد که زن ایرانی نیز می‌تواند در جامعه خود پذیرای مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی شود. از زمینه‌های اجتماعی مورد تأکید در غرب، مساوات زنان و مردان در برخورداری از حقوق یکسان اجتماعی بود که بر این اساس یکی از مسائل مورد علاقه و توجه تجددگرایان در مواجهه با فرهنگ و آداب و رسوم غربی، شکل لباس‌های مردان و کشف حجاب زنان بود» (صلاح، ۱۳۸۴: ۶۱-۶۰) حتی پس از سفر رضاشاه به ترکیه و مشاهده‌ی کسب حق رأی توسط زنان ترکیه در سال ۱۳۱۳ تأثیری در نظر رضاشاه پیرامون این مسئله نداشت و با وجود فعالیت‌های نمایشی از سوی حاکمیت از جمله کشف حجاب، زنان نتوانستند حق شرکت در انتخابات را به دست آورند. (عسگری؛ شوهانی، ۱۳۸۹: ۶۴۲) پس از شهریور ۱۳۲۰ هرچند تلاشهایی در سطح مجلس، دولت و جامعه (حزب توده) برای اعطای حق رأی به زنان صورت پذیرفت اما نتیجه مثبتی در پی نداشت. حتی با وجود فعالیت‌های اجتماعی-سیاسی زنان، در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت نیز تلاش چندانی برای بهبود وضعیت مشارکت اجتماعی-سیاسی زنان انجام نگرفت «حضور زنان در عرصه‌ی سیاست به صورت رسمی به شروع دوره پهلوی دوم در سال ۱۳۴۱ برمی‌گردد که حق رأی و نامزدی در انتخابات برای زنان توسط محمدرضاشاه به رسمیت شناخته شد» (خلجی، ۱۳۸۱: ۱۰۲) پس از اجرای برنامه اصلاحات سیاسی نمایشی در ایران توسط محمدرضاشاه پهلوی، در ۳۱ شهریور ۱۳۴۲ انتخابات برگزار و زنان برای نخستین بار به عنوان رأی دهنده و کاندیدا در این انتخابات شرکت نموده، شش نماینده زن وارد بیست و یکمین دوره مجلس شورای ملی شده و دو نماینده زن نیز به مجلس چهارم سنا راه یافتند. (احمدی خراسانی؛ اردلان، ۱۳۸۲: ۴۲۱) به دنبال انجام انتخابات بیست و یکمین دوره مجلس شورای ملی «مهرانگیز دولتشاهی، نخستین زنی بود که در تریبون مجلس شورای ملی جای گرفت و بیان داشت که با حضور نیمی از افراد جامعه در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی مشروطیت ایران کامل یافت» (مجلس شورای ملی: ۱۳۴۲: ۳) روند حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی سیاسی در دوره پهلوی دوم شدت گرفت و تا پایان حکومت پهلوی ۱۵۰۰ زن در مقام‌های ارشد مدیریتی در سطح کشور، ۲۲ زن در مجلس شورای ملی، ۵ شهردار، و ۳۳٪ کل مشاغل آموزش عالی ایران بر عهده زنان بود و دو زن (فرخ‌رو پارسا و مهناز افخمی) به مقام وزارت رسیدند. (سانساریان، ۱۳۸۴: ۱۷۲)

قانون حمایت از خانواده نیز برای اولین بار در همین مجلس بیست و یک تصویب شد «در این قانون که ابتدا در سال ۱۳۴۶ و سپس با تغییراتی در سال ۱۳۵۴ تصویب شد» (همان ۱۶۱): برخی از قوانین که بر مبنای فقه اسلامی تدوین و اجرا شده بود، مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفت. این اصلاحات هرچند جزئی بود و تساوی حقوق زن و مرد را تأمین نمی‌کرد اما گشایش اندکی در حقوق زنان ایجاد می‌نمود. برای نمونه می‌توان به قانون محدود کردن مردان در تعدد زوجات و ایجاد موانعی برای این حق فقهی که به مردان داده شده بود اشاره کرد. «هم‌چنین افزایش سن قانونی ازدواج به ۱۵ سال در سال ۱۳۴۶ و پس از آن به ۱۸ سال در سال ۱۳۵۴ از دیگر قوانین اصلاح شده به نفع زنان بود» (همان، ۱۶۹) به نظر می‌رسد که مهم‌ترین دغدغه زنان نماینده در آن دوران، مسئله آموزش زنان بوده است «تسهیل آموزش دختران و راه‌یابی آن‌ها به دانشگاه‌ها و اعزام دانشجویان دختر به خارج از کشور را می‌توان از دیگر اقدامات دولت پهلوی دوم در حوزه حقوق زنان دانست» (نفیسی، ۱۳۷۸: ۷) «حضور زنان در دوره‌های بعدی مجلس سیر صعودی پیدا کرد به طوری که در مجلس بیست و دوم تعداد نمایندگان زن به هفت نفر، مجلس بیست و سوم به شانزده نفر و در مجلس بیست و چهارم به بیست نفر رسید» (شجیعی، ۱۳۷۲: ۳۵۱) در طول این سه دوره نمایندگان زن مجلس توانستند مسائلی همچون قانون خدمات اجتماعی زنان، (مجموعه قوانین بیست و دومین دوره‌ی قانون‌گذاری مجلس شورای ملی، بی تا، ج ۸: ۱۵۲) قانون واگذاری مهدهای کودک و

مراکز خدمات اجتماعی به انجمن ملی حمایت کودکان و سازمان رفاه خانواده، (همان: ۲۴۰) «قانون تشدید مجازات به کار گماردن کودکان کمتر از ۱۲ سال در کارگاه‌های فرش‌بافی و چند طرح مربوط به توانمندسازی زنان را در مجلس مطرح کنند» (همان: ۱۴۵)

انقلاب اسلامی ایران و جایگاه زنان

از زمان آغاز نهضت اسلامی در خرداد ۱۳۴۲، زنان نقش مهمی را در پیشبرد این نهضت ایفا کردند. هرچند حضور زنان از دو منظر کمی و کیفی و با توجه به شرایط متغیر سالهای نهضت متفاوت بوده است، اما آنان در هر صورتی و با شیوه‌های مختلفی، اعتراض خود را نسبت به وضعیت موجود که از نظر آنها نامساعد می‌نمود، نشان می‌دادند. از این رو مشاهده می‌شود که هر جا که مشارکتی از جانب مردان وجود داشته حضور زنان نیز ثمربخش بوده است. از آنجایی که زنان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند، پس از وقوع انقلاب اسلامی زمینه برای حضور گسترده و مؤثر آنان فراهم گردید. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های انقلاب اسلامی، مردمی بودن آن بود. مردمی بودن این انقلاب را با توجه به حضور زنان در عرصه‌های مختلف انقلاب می‌توان اثبات نمود. در جریان اشغال سفارت آمریکا به دست دانشجویان انقلابی پیرو خط امام در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، زنانی هم‌چون معصومه ابتکار، طاهره رضازاده، زهره سادات رضوی، فروز رجایی فر... نقش مهمی در آن دوره ۴۴۴ روزه - به ویژه ارتباط میان دانشجویان خط امام و رسانه‌ها - ایفا کردند. وظایف زنان در آن زمان تفاوتی با مردان نداشت و تمامی آنان مشغول به «ترجمه، پیدا کردن اسناد، شرکت در کلاس‌های مختلف، ارتباط با مردم، پخش تراکت و پوستر، بازسازی اسناد و پاس دادن (نگهبانی) بودند» (روزنامه شرق، آبان ۱۳۹۴: ۷) امام خمینی به عنوان رهبر نهضت اسلامی در رابطه با نقش زنان در دوران نهضت اسلامی می‌فرماید: «شما بانوان در ایران ثابت کردید که در پیشاپیش این نهضت قدم برداشتید. شما سهم بزرگی در این نهضت اسلامی ما دارید. شما در آتیه برای مملکت ما پشتوانه هستید.» (امام خمینی، ۵۲۱: ۱۳۷۹) با پیروزی انقلاب اسلامی و تصویب قانون اساسی زنان نه تنها از حق رأی و مشارکت سیاسی منع نشدند، بلکه بنا به سفارش‌های مؤکد حضرت امام خمینی «مشارکت برای آن‌ها به عنوان یک حق بنیادین در نظر گرفته شد که باید زمینه‌ها و امکانات حضور آن‌ها را فراهم کرد» (مطهری، ۴۰: ۱۳۶۴) در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز حقوق سیاسی و مسئله‌ی مشارکت مردم (بدون اشاره به جنسیت خاصی) به رسمیت شناخته شده است. در بند هشتم اصل سوم قانون اساسی، مسئله‌ی «مشارکت عامه‌ی مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش مورد توجه قرار گرفته و هم‌چنین در بندهای هفتم، نهم و چهاردهم همین اصل، مسئولیت «تامین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون» و «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» و «تامین حقوق همه جانبه‌ی افراد اعم از زن و مرد...» بر عهده‌ی دولت جمهوری اسلامی نهاده شده است. اصول بیستم و یکم نیز در همین زمینه قابل اشاره‌اند «معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۹۵: ۴۱» پشتوانه‌ی قانونی مشارکت مردم در حوزه‌های گوناگون زیست فردی و اجتماعی، انجام انتخابات و همه‌پرسی (رفراندوم) است «قانون اساسی با پذیرش حاکمیت ملت و مسئولیت عمومی و مشترک مردم در اداره امور مملکت، به طرق مختلفی آن را تحقق بخشیده است» (هاشمی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۸۲) نخستین زنی که صاحب نخستین عنوان سیاسی در عرصه‌ی کلان تصمیم‌گیری پس از انقلاب گردید «منیره علی» معروف به منیره گرجی فرد بود. وی تنها عضو مجلس خبرگان قانون اساسی بود؛ وی هم‌چنین تنها زنی است که در تاریخ جمهوری اسلامی به مجلس خبرگان راه یافت. او در جریان مقابله با تفسیر محدود کلمه‌ی «رجال» در قانون اساسی و اطلاق صرف آن به مردان، تلاش‌های زیادی داشت تا در این مسیر زنان نیز بتوانند برای مقام ریاست جمهوری داوطلب شوند. وی معتقد بود معنای رجال در قانون این نیست که فقط مردان می‌توانند رئیس‌جمهور بشوند. او در این زمینه حتی به دیدار حضرت امام خمینی نیز رفت و با ایشان گفتگو کرد. نگرش وی در حدی پیشرو بود که چنین اشاره کرده است که «از کجا معلوم این حدیث (جهاد زن خوب، همسرمداری کردن اوست) صحیح باشد؟ گوشه‌خانه نشستن و جزئی از وجود مرد و تمنیات مادی او شدن، جهاد است؟» (شادی طلب، ۱۳۹۶: ۱)

مجلس شورای اسلامی

طبق اصل ۷۱ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند. مجلس شورای اسلامی را می‌توان تجلی اقتدار مردمی و ملی جمهوری اسلامی دانست. هم‌چنین «نظارت‌های پنج‌گانه تأسیسی، استطلاعی، استصوابی، مالی و سیاسی مجلس بر قوه مجریه، میزان اقتدار ملی را به خوبی نشان می‌دهد» (جوان آراسته، ۱۳۸۳: ۱۵۱) و به موجب اصل ۶۶ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که با رأی مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد و جنسیت شرط صلاحیت عنوان نشده است. شرایط انتخاب‌کنندگان، انتخاب‌شوندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد. این یقین حاصل است که در متن قوانین انتخاباتی مجلس شورای اسلامی و آیین‌نامه‌ی اجرایی نشأت گرفته از قانون اساسی کمترین نابرابری جنسیتی مشاهده نمی‌شود. از منظر مشارکت سیاسی «در جمهوری اسلامی ایران حق رأی دادن، انتخاب شدن و عضویت در هیأت رئیسه مجلس برای زنان به رسمیت شناخته شده است.» (کار، ۱۳۸۰: ۸۵) از زمان شروع اولین دوره مجلس شورای اسلامی، تعداد نمایندگان زن نیز به تدریج رو به ازدیاد گذاشت. از دهه ۷۰ شمسی، همگام با تغییرات گسترده اجتماعی در سطوح مختلف جامعه ایران، مشارکت سیاسی زنان نیز افزایش یافت. نقطه اوج این مشارکت سیاسی، انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی بود «انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، طی دو مرحله در اسفند ۱۳۷۴ و فروردین ۱۳۷۵ برگزار گردید. در این انتخابات مشارکت ۷۱/۲۰٪ مردم اتفاق افتاد.» (عیوضی، ۱۳۸۵: ۱۴۱) پس از وقوع انقلاب اسلامی، این آمار، بالاترین میزان مشارکت در طول تمامی ادوار مجلس شورای اسلامی را نشان می‌داد. «در واقع رقابت جدی نیروهای سیاسی رقیب، روشن‌تر شدن مواضع و جهت‌گیری‌های سیاسی و فرهنگی احزاب، وجود فضاهای نسبتاً باز مطبوعاتی و برخورداری هر یک از جریانات از نشریات متعدد، از جمله عواملی بود که به این انتخابات شور و نشاط قابل ملاحظه‌ای بخشید.» (عظیمی دولت‌آبادی، ۱۳۷۸: ۱۱۱) در این دوره چهار گروه و جریان سیاسی «حزب کارگزاران، جامعه روحانیت مبارز، جناح چپ با ائتلافی موسوم به نیروهای خط امام، جناح چپ جدید به رهبری حجت‌الاسلام ری شهری (منشعب از جناح راست سنتی) به رقابت با یکدیگر پرداختند.» (خواجه سروی، ۱۳۸۲: ۱۳۴) در تاریخ ۱۲ خرداد ۱۳۷۵ نخستین جلسه مجلس پنجم برگزار شد و حجت‌الاسلام والمسلمین علی اکبر ناطق نوری به عنوان رئیس مجلس پنجم انتخاب شد. در انتخابات مجلس پنجم شورای اسلامی تعداد ۳۲۶ زن به عنوان داوطلب نمایندگی در مجلس ثبت نام کردند که از این میان ۱۴ نفر از آنها به مجلس پنجم راه یافتند.

مصوبات مجلس پنجم در خصوص احقاق حقوق زنان ایران

دوره پنجم مجلس شورای اسلامی کار قانون‌گذاری را از تاریخ ۱۳۷۵/۳/۷ آغاز کرد و در مورخ ۱۳۷/۳/۶ کار آن به پایان رسید و کارنامه‌ای شایسته از خود به جای گذاشت. در مجموع ۳۸۷ جلسه علنی برگزار شد که حاصل آن تقدیم ۶۱۲ فقره لایحه و طرح، ۳۵۹ مورد مصوبه (شامل ۲۵۰ لایحه و ۱۰۹ طرح)، ۱۳ مورد تحقیق و تفحص، ۲ مورد استیضاح و ۸۰ مورد سؤال از وزرا و ... است. مصوبات هر دوره مجلس از حساسیت و ویژگی‌های خاصی برخوردار است که در بخش‌های مختلف اداری، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و ... راه‌گشای نظام جمهوری اسلامی ایران بوده و برای اداره امور مؤثر و کارآمد است. در طول این دوره تعداد ۵۱ طرح و لایحه پیرامون موضوع زنان، خانواده و کودکان به مجلس تقدیم شد که از این تعداد ۳۷ مورد به تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان رسیدند و ۱۴ مورد دیگر نیز به دوره بعد موکول گشت. (رجبی، ۱۳۹۵: ۸) برخی از مهم‌ترین مصوبات این دوره از مجلس که هدف از تصویب آن‌ها، بهبود شرایط زنان ایران بود، بدین قرارند:

۱- اصلاح ماده (۹) قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۰

طبق تبصره نخست این قانون، که در مهرماه ۱۳۷۵ به تصویب رسید «مستخدمان زن شاغل و بازنشسته و وظیفه‌بگیر مشمول این قانون که دارای همسر نباشند یا همسر آنان معلول و از کارافتاده باشد و خود به تنهایی متکفل مخارج فرزندان هستند، از کمک هزینه عائله‌مندی بهره‌مند می‌شوند. حداکثر سن برای فرزندان ذکور مستخدمانی که از کمک موضوع این تبصره استفاده می‌کنند

<p>۲۰ سال و در صورت ادامه تحصیل ۲۵ سال و برای اولاد اناث تا زمان ازدواج و برای فرزندان معلولی که قادر به کار نیستند، بدون شرط سنی خواهد بود.» (مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۵/۰۷/۱۵)</p>
<p>۲- شکل گیری کمیسیون امور زنان، جوانان و خانواده</p> <p>تا پیش از تشکیل مجلس پنجم، هیچ نهادی تخصصی در راستای پیگیری امور مربوط به زنان و مطالبات آنان در مجلس وجود نداشت و این مباحث در کمیسیون‌های مختلف مورد بحث و بررسی قرار می‌گرفتند. در مجلس پنجم با تصویب قانونی با عنوان «قانون الحاق یک تبصره به ماده ۴۲ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی» (مصوب ۱۳۷۵/۰۹/۱۴) یک کمیسیون تخصصی برای پی گیری این امور تشکیل گردید. نام این کمیسیون، در این قانون «کمیسیون امور زنان، جوانان و خانواده» تعیین گردید. بر طبق این مصوبه «تعداد اعضای کمیسیون طبق ماده ۴۳ آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس تعیین و حداقل نصف اعضای این کمیسیون از نمایندگان زن داوطلب خواهد بود (در صورت وجود) عضویت در این کمیسیون مانع از عضویت در سایر کمیسیون های مجلس نمی باشد.» (آیت‌اللهی و دیگران، ۱۳۸۳: ۲)</p>
<p>۳- الحاق یک تبصره به قانون راجع به خدمت نیمه وقت بانوان</p> <p>ماده واحده تبصره زیر به ماده واحده قانون راجع به خدمت نیمه وقت بانوان مصوب ۱۳۶۲/۹/۱۰ الحاق می‌گردد: تبصره به دستگاههای موضوع این قانون اجازه داده میشود در صورت تقاضای بانوان کارمند رسمی و ثابت خود و موافقت بالاترین مقام مسئول، همچنین بتوانند به جای نیمه وقت، ساعات خدمت آنان را به سه چهارم ساعات کار مقرر تقلیل دهند.</p>
<p>۴- الزام فراگیری آموزش های فنی و حرفه‌ای برای اشتغال به کار</p> <p>به واسطه‌ی این قانون که در خرداد ۱۳۷۶ تصویب شد، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور در راستای گسترش آموزش‌های مهارتی ملزم شد «تا با استفاده از امکانات موجود به منظور رفع مشکلات احتمالی زنان جویای کار در کلیه‌ی مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها متناسب با فرصت‌های شغلی زمینه‌ی آموزش فنی و حرفه‌ای بانوان را فراهم نماید.» (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی دوره پنجم جلسه ۱۷۷: ۳۳)</p>
<p>۵- اختصاص تعدادی از دادگاه‌های موجود به دادگاه‌های موضوع اصل ۲۱ قانون اساسی (دادگاه خانواده)</p> <p>در این قانون، یکی از مهم‌ترین قوانین مصوب در تاریخ مجالس ایران در راستای احقاق حقوق قانونی زنان جامعه‌ی ایران بود، چنین آمده است «ماده واحده قانون اختصاص تعدادی از شعب دادگاه‌های عمومی برای رسیدگی به دعاوی خانوادگی در تاریخ هشتم مرداد ماه ۱۳۷۶ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در نوزدهم همان ماه مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت و براساس آن مقرر گردید که شعبی از دادگاه‌های عمومی برای رسیدگی به دعاوی خانوادگی اختصاص داده شود.» (یاوری، ۱۳۸۶: ۴) بر این اساس، ریاست قوه قضاییه مکلف گردید تا ظرف مدت سه ماه در حوزه های قضائی شهرستانها به تناسب جمعیت آن حوزه، حداقل یک شعبه از شعب دادگاه های عمومی را برای رسیدگی به دعاوی خانواده اختصاص دهد. «صلاحیت دادگاههای خانواده برای رسیدگی به دعاوی مربوط به اموری همانند نکاح موقت و دائم، طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضای مدت، مهریه، جهیزیه، ایام زوجیت، نفقه، حضانت و ملاقات اطفال، نسب، شرایط ضمن عقد تعیین گردید. در تبصره‌ی دوم این قانون، حضور مشاور قضایی زن و صدور احکام این دادگاه، پس از مشاوره با مشاوران قضایی زن، پیش‌بینی گردید.» (مرکز پژوهشهای مجلس، گزارش ۱۳۷۶/۰۶/۰۳: ۴۴۵)</p>
<p>۶- الحاق یک تبصره به ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴</p> <p>طبق این قانون، زنان کارگر با داشتن بیست سال سابقه کار و چهل و دو سال سن به شرط پرداخت حق بیمه با ۲۰ روز حقوق می‌توانستند بازنشسته شوند.</p>
<p>۷- تعیین مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش</p>

طبق این قانون که در آبان ۱۳۷۶ تصویب گردید، «گواهی صادره از مراجع قضایی در خصوص عدم امکان سازش بین زن و شوهر، چنانچه ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ به دفتر ثبت طلاق تسلیم نشود، از اعتبار ساقط خواهد بود. در صورتی که ظرف مدت مقرر گواهی یاد شده جهت اجرای طلاق تسلیم دفتر ثبت طلاق شود سر دفتر مکلف است به طرفین اعلام نماید تا جهت اجرای صیغه طلاق و ثبت آن حضور یابند.» (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۶/۰۸/۱۱)
۸- الحاق یک بند یک تبصره به ماده (۶) قانون مطبوعات
طبق بند ۵ این قانون که جزو قوانین پرسروصدای آن دوران بود «استفاده ابزاری از افراد (اعم از زن و مرد) در تصاویر و محتوی، تحقیر و توهین به جنس زن، تبلیغ تشریفات و تجملات نامشروع و غیرقانونی ممنوع اعلام گردید.» (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۷/۰۵/۲۱)
۹- تشکیل شورای عالی اشتغال
طبق این قانون «هدف از تشکیل این شورا برنامه ریزی و تعیین راهکارهای عملی برای رشد و توسعه اشتغال در روستاها، شهرهای کوچک و برای گروههای خاص (معلولین - زنان و جوانان) با رعایت مقررات مربوطه» (مذاکرات مجلس شورای اسلامی دوره پنجم: ۲۶) اعلام گردید.
۱۰- اصلاح ماده ۲۰ قانون مقررات استخدامی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران
طبق این اصلاحیه و تبصره آن «نیروی انتظامی می تواند زنان را با حفظ موازین اسلامی در مشاغل مورد نیاز به صورت پرسنل انتظامی یا کارمند استخدام نماید. نیروی انتظامی میتواند از خدمات پرسنل زن در مواردی از قبیل آزمونهای راهنمایی و رانندگی، بازرسی زنان، صدور گذرنامه برای زنان، مبارزه با مفاسد اجتماعی در خصوص جرائم زنان، اداره زندانهای زنان استفاده نماید و اولویت در اینگونه مشاغل با پرسنل انتظامی زن می باشد.»
۱۱- الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی در خصوص مهریه (به روز کردن وجه مهریه)
طبق این الحاقیه «چنانچه مهریه وجه رایج باشد متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد. مگر اینکه زوجین در حین اجرای عقد به نحو دیگری تراضی کرده باشند. به این ترتیب، چنانچه مهریه وجه رایج باشد، متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می گردد، محاسبه و پرداخت خواهد شد.» (ارشدی، ۱۳۸۴: ۷۹)
۱۲- انطباق امور اداری و فنی موسسات پزشکی با موازین شرع مقدس
طبق این قانون که در آبان ۱۳۷۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، تمامی مؤسسات و مراکز پزشکی و وابسته به پزشکی و واحدهای مشابه در دانشگاههای علوم پزشکی و کلیه کارکنان فنی و اداری و خدماتی آنها، به منظور انطباق امور درمانی، بهداشتی و آموزش پزشکی با موازین شرع مقدس اسلام، موظف شدند تا سیاست گذاری و برنامه ریزی و تدوین آیین نامه ای اجرایی جهت عملی نمودن انطباق امور مذکور با موازین شرع مقدس را به انجام رسانند. این قانون هر چند عنوانی کلی داشت اما هدف اصلی آن، ایجاد تفکیک جنسیتی در مراکز پزشکی بود. (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۷/۰۸/۱۰). برخی از نمایندگان زن همانند مرضیه وحید دستجردی و منیره نوبخت از مدافعان سرسخت آن بودند.

دلایل تأثیرگذار در موفقیت نمایندگان زن مجلس پنجم در احقاق حقوق زنان

بررسی مصوبات مجلس پنجم در خصوص حقوق زنان نشان می دهد دلیل موفقیت نمایندگان زن مجلس پنجم در تصویب قوانین مربوط به مطالبات زنان جامعه ای ایران منوط به یک موضوع واحد نیست و مجموعه ای از عوامل باعث شد تا نمایندگان زن این دوره از مجلس بتوانند در تصویب قوانین مدافع حقوق زنان موفق عمل کنند. برخی از دلایل هموار شدن مسیر برای نمایندگان زن در راستای تصویب این قوانین به شرح زیرند:

افزایش تعداد نمایندگان زن مجلس پنجم

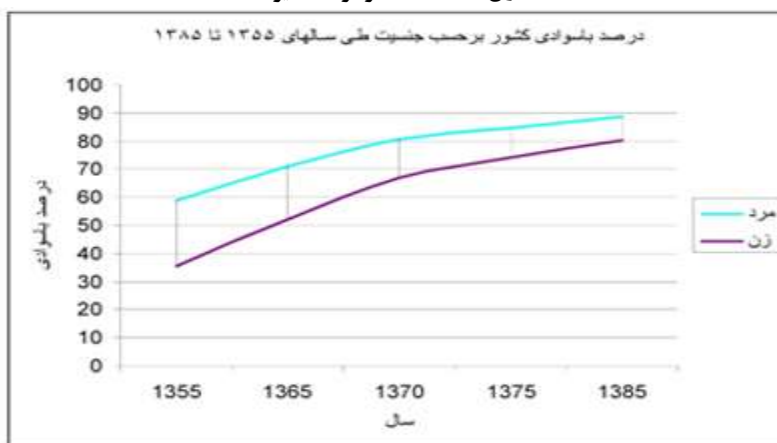
در دوره‌های اول، دوم و سوم مجلس شورای اسلامی تنها چهار زن توانستند به عنوان نماینده‌ی مردم به مجلس راه یابند که در هر سه دوره نمایندگان زن مختص مردم تهران بودند و از استانهای دیگر هیچ زنی به مجلس راه پیدا نکرد. در دوره چهارم، تعداد نمایندگان زن راه یافته به مجلس به نه نفر رسید که علاوه بر تهران، نمایندگان از تبریز، کرمانشاه و مشهد به جمع زنان راه یافته به مجلس اضافه شدند. در مجلس پنجم تعداد نمایندگان زن مجلس رشد قابل ملاحظه‌ای داشت و به عدد ۱۴ نفر افزایش یافت.

یکی از دلایل این افزایش، ایجاد کمیسیون‌های امور بانوان در سطح استان‌ها و شهرستان‌ها بود. «این کمیسیون‌ها تشکیلاتی بودند که برای بانوان تبلیغات و فعالیت می‌کردند و با این کار اعتماد به نفس و خودباوری زنان جامعه تقویت شد» (شجاعی، ۲۰۳: ۱۳۸۳) از منظر سازمانی، کمیسیون امور بانوان نهادی رسمی وابسته به وزارت کشور است که به ریاست معاون سیاسی - امنیتی استاندار در تمام استان‌های کشور تشکیل شده، برنامه‌ریزی و سازماندهی مسائل مربوط به زنان را به عهده دارد «اعضای این کمیسیون نمایندگان دستگاه‌های اجرایی هستند که با تکیه بر شناخت مسائل بانوان سعی در برنامه‌ریزی فراگیر و اساسی جهت ایجاد زمینه مساعد برای رشد شخصیت حقیقی زن و حل مسائل و مشکلات جامعه زنان دارند» (همان، ۲۱۳-۲۱۲) کمیسیون امور بانوان با ویژگی خاص خود، چون بومی بودن نیروها با شبکه‌های گسترده و پیوند ارگانیک با یکدیگر، گام بلند و مثبتی بود که از اثرات و نتایج آن می‌توان به نهادینه کردن امر مشارکت بانوان در نظام جمهوری اسلامی ایران، افزایش تعداد نمایندگان زن در شهرستان‌ها، رشد سازمان‌های غیردولتی زنان و افزایش نشریات محلی و منطقه‌ای بانوان اشاره کرد.

تحصیلات و تخصص بالاتر نسبت به نمایندگان زن در دوره‌های پیشین

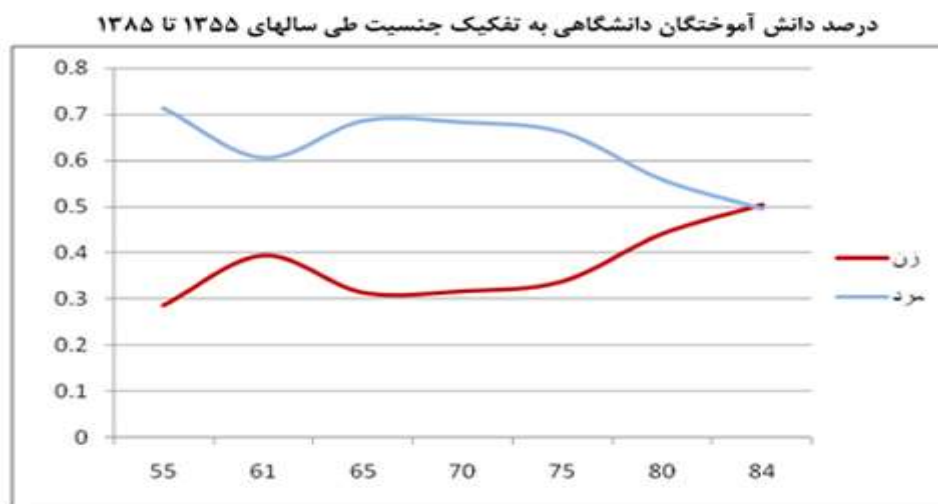
از دهه ۱۳۷۰ بدین سو، جامعه ایران دچار دگرگونی‌های بنیادینی شد. افزایش تحرک اجتماعی ناشی از بهبود وضعیت اقتصادی جامعه و افزایش نهادهای آموزش عالی در ایران سبب شد که سطح سواد در جامعه‌ی ایران به حدی بالا رود که طبقه متوسط بسیار تقویت گردیده و بالتبع، در وضعیت کیفی و کمی داوطلبان ورود به مجلس شورای اسلامی تنوع و تکثر زیادی شکل گیرد. در این میانه وضعیت زنان در جامعه ایران نیز دچار دگرگونی‌های بنیادینی شد.

جدول (۱): مأخذ: مرکز آمار ایران



نمایندگان زن مجلس پنجم نسبت به دوره‌های قبل دارای تحصیلات دانشگاهی بالاتری بودند که همین عامل باعث شد میانگین تخصص زنان نماینده در این دوره نسبت به دوره‌های قبل افزایش پیدا کند. «از میان ۱۴ نماینده زن راه یافته به مجلس پنجم شورای اسلامی، ۵ نفر دارای تحصیلات تکمیلی با مدرک دکتری، ۴ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد، ۳ نفر دارای مدرک کارشناسی و ۱ نفر دارای مدرک ابتدایی بودند.» (فوزی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۳)

جدول (۲): مأخذ: مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری



چنان که در جدول فوق مشخص است، درصد زنان دانش آموخته‌ی دانشگاهی از سال ۱۳۷۵ به یکباره سیر صعودی به خود گرفته و تقریباً از همان زمان نیز از درصد مردان دانش آموخته کاسته شده است. تاثیر افزایش سطح آموزش، تمایل به مشارکت در امور اجتماعی-سیاسی را بالا می‌برد. دلیل آن به مسئله «هویت‌یابی زنانه» بازمی‌گردد. «کاندیداهای زن مجلس به انتخاب شدن در مناطقی که سطح آموزشی بالاتری دارند تمایل دارند. انسانهایی که سطح سواد بالاتری دارند، احتمال بیشتری دارد که از دیدگاههای تساوی افراد حمایت کنند و نیز احتمال کمتری دارد که از دیدگاههای سنتی درخصوص نقشهای جنسیتی پیروی کنند.» (یزدان‌پناه درو و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۰۵) چنانچه از بررسی وضعیت تحصیلات نمایندگان زن این دوره بر می‌آید، اکثر قریب به اتفاق آنان دارای تحصیلات عالی بودند «در این میانه، زهرا پیشگاهی فرد دارای دکترای جغرافیای سیاسی؛ فاطمه رمضان‌زاده، قدسیه سیدعلوی و مرضیه وحیددستجری هر سه متخصص جراحی زنان و دارای مدرک دکتری بودند. پنج نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد: فائزه هاشمی بهرمانی رشته حقوق؛ نفیسه فیاض بخش رشته فلسفه؛ منیره نوبخت رشته تاریخ؛ مرضیه صدیقی رشته راه و ساختمان؛ الهه راستگو رشته مدیریت؛ دو نفر دارای مدرک کارشناسی، نیره اخوان بیطرف رشته روانشناسی و سهیلا جلودارزاده رشته نساجی؛ هم چنین شهربانو امانی انگنه دانشجوی مدیریت و ۲ نفر دیگر فاطمه کروبوی و مرضیه حدیدچی دباغ دارای سواد زیر دیپلم بوده‌اند.» (ازغندی، ۱۳۸۵: ۱۸۴) افزایش تعداد نمایندگان زن متخصص در مجلس باعث شد در تمام کمیسیون‌ها حداقل یک نماینده زن حضور داشته باشد و از ۱۴ نماینده زن مجلس پنجم، ۸ نفر از آنان به هیئت رئیسه کمیسیون‌های تخصصی مجلس راه پیدا کنند.

جدول (۳): سمت‌های نمایندگان زن در کمیسیون‌های تخصصی

ردیف	نام نماینده	نوع سمت در کمیسیون تخصصی
۱	الهه راستگو	نایب رئیس دوم کمیسیون امور اداری و استخدامی
۲	سهیلا جلودارزاده	منشی دوم کمیسیون کار و امور اجتماعی
۳	نفیسه فیاض بخش	منشی اول کمیسیون قضایی و حقوقی
۴	مرضیه حدیدچی	نایب‌رئیس اول کمیسیون امور دفاعی
۵	نفیسه سیدی‌علوی	مخبر کمیسیون سیاست خارجی
۶	نیره اخوان بی‌طرف	منشی دوم کمیسیون آموزش و پرورش
۷	مرضیه‌وحید دستجری	رئیس کمیسیون امور زنان، جوانان و خانواده

حضور زنان نماینده در کمیسیون‌های تخصصی به ویژه حضور در هیئت رئیسه کمیسیونها باعث شد زنان نماینده در روند قانون گذاری نسبت به دوره های قبل مؤثرتر عمل کنند و در تصویب قوانین، مدافع حقوق زنان باشند؛ به گونه‌ای که در طول دوره مجلس پنجم زنان نماینده ۷۹ بار سخنرانی پیش از دستور داشتند که نسبت به دوره های قبل رشد بالایی را نشان می‌دهد و در مرحله‌ی تصویب طرحها و لوایح در صحن علنی حضور چشمگیری به عنوان موافق یا مخالف داشتند که در جدول ذیل به برخی از این طرح ها و حضور آنها اشاره شده است.

جدول (۴): نقش زنان نماینده در تصویب طرح‌ها/ لوایح

ردیف	نام نماینده	موافق/ مخالف	طرح / لایحه
۱	منیره نوبخت	موافق	ایجاد کمیسیون امور زنان، جوانان و خانواده
۲	مرضیه وحید دستجردی	موافق	ایجاد کمیسیون امور زنان، جوانان و خانواده
۳	فائزه هاشمی بهرمانی	موافق	ایجاد کمیسیون امور زنان، جوانان و خانواده
۴	مرضیه صدیقی	موافق	به روز رسانی نرخ مهریه
۵	مرضیه وحید دستجردی	موافق	به روز رسانی نرخ مهریه
۶	نقیسه فیاض بخش	موافق	به روز رسانی نرخ مهریه
۷	قدسیه سید علوی	موافق	تشکیل دادگاه خانواده
۸	مرضیه وحید دستجردی	موافق	تشکیل دادگاه خانواده
۹	فاطمه رمضان زاده	موافق	تشکیل دادگاه خانواده
۱۰	سهیلا جلودارزاده	موافق	بازنشستگی زنان کارگر با ۲۰ سال سابقه
۱۱	نقیسه فیاض بخش	موافق	حضانت فرزند در صورت انحطاط والدین
۱۲	مرضیه وحید دستجردی	موافق	حضانت فرزند در صورت انحطاط والدین
۱۳	سهیلا جلودارزاده	موافق	حضانت فرزند در صورت انحطاط والدین
۱۴	نقیسه فیاض بخش	موافق	تعیین مدت اعتبار گواهی عدم سازش جهت طلاق
۱۵	منیره نوبخت	موافق	ممنوعیت استفاده ابزاری از زن در مطبوعات
۱۶	فاطمه رمضان زاده	مخالف	ممنوعیت استفاده ابزاری از زن در مطبوعات
۱۷	مرضیه وحید دستجردی	موافق	ممنوعیت استفاده ابزاری از زن در مطبوعات
۱۸	نقیسه فیاض بخش	موافق	انطباق امور اداری و تأسیسات پزشکی با شرع
۱۹	مرضیه وحید دستجردی	موافق	انطباق امور اداری و تأسیسات پزشکی با شرع

همسویی دولت و مجلس وقت در خصوص احقاق حقوق زنان

روی کار آمدن دولت اصلاحات و نگرش شخصی سیدمحمد خاتمی و کابینه منتخبش نسبت به پررنگ تر شدن حضور زنان در فعالیتهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و احیای حقوق مغفول مانده زنان در ساختار فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور، نقش بسزایی در رویکرد دیگر قوای کشور به ویژه قوه‌ی مقننه نسبت به حقوق زنان داشت «دولت اصلاحات عملکرد قابل قبولی در تقویت مرکز امور زنان و عضویت رئیس مرکز در کابینه و افزایش قابل توجه بودجه این مرکز، گسترش و تقویت کمیسیون‌های امور بانوان در سراسر کشور، افزایش دفاتر امور زنان در امور قضاییه، ایجاد زمینه های مناسب جهت تقویت نگرش جنسیتی و توجه به زنان در برنامه‌ی توسعه سوم کشور داشت.» (شجاعی، ۱۳۸۳: ۲۱۰) توجه به زنان در تدوین برنامه پنج‌ساله سوم باعث شد کارشناسان زن در کلیه کمیسیون‌ها و شوراهای حضور داشته باشند و برای رفع تبعیض و افزایش بهره‌مندی زنان از مزایای برنامه و تأمین منافع آنان فعالیت کنند و از آثار این حضور می‌توان به تخصیص بودجه برای فعالیتهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زنان اشاره کرد. (جلودارزاده، ۱۳۹۶: ۱۰۷)

تقویت کمیسیون‌های امور بانوان در دولت اصلاحات، باعث شد فعالیت مرکز امور زنان که به مرکز مشارکت امور زنان تغییر نام داد، گسترده‌گی بیشتری نسبت به دوره‌های قبل پیدا کند. گسترده‌گی فعالیت این مرکز در تمام استانهای کشور و حضور زنان فعال هر منطقه در این مراکز باعث شد تا در تمام نقاط کشور مسائل و مشکلات زنان مورد توجه قرار گیرد. مهمترین دستاوردهای دولت اصلاحات در حیطه مسایل زنان عبارتند از: ارتقای دستگاه ملی امور زنان، افزایش بودجه امور زنان، عضویت رئیس دستگاه زنان در کابینه و شوراهای تصمیم‌گیری، رشد ۹ برابری و توسعه کمی و کیفی تشکلات مردمی زنان، رشد چشم‌گیر نرخ باسوادی زنان تا ۸۱ درصد و نرخ ۶۴ درصدی ورودی دختران به دانشگاهها، تغییر انگاره‌های اجتماعی در مورد زنان و تغییر در برخی از قوانین و مقررات (بی‌نا، ۱۳۸۴: ۳۸۵) این دستاوردها باعث شد نگاه کلی جامعه به مسایل زنان تغییر کند. هم‌سویی دولت با مجلس در توجه به حقوق زنان باعث شد، علاوه بر این که لوایحی هم‌چون قانون اصلاح ماده ۹ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت، قانون تعیین مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش، قانون اصلاح قانون فصل سوم قانون گذرنامه از طرف دولت به مجلس فرستاده شود، در تصویب طرح‌های مربوط به حقوق زنان به عنوان موافق در صحن علنی مجلس نقش مثبت ایفا کند.

نقش فضای فرهنگی - اجتماعی جامعه در احقاق حقوق زنان

دوره زمانی مجلس پنجم، با پایان دوره دوم دولت سازندگی و دوره اول دولت اصلاحات مصادف شد. تغییراتی که با روی کار آمدن دولت اصلاحات در جامعه به وجود آمد فضای فرهنگی و اجتماعی جامعه را عوض کرد. تشکیل سازمانهای مردم‌نهاد باعث شد فعالیت نهادهای مدنی در رشته‌های مختلف شدت بگیرد. در این میان سازمانهای زیادی با موضوعیت و محوریت زنان تشکیل شد. گسترش سازمانهای مردم‌نهاد باعث حضور بیشتر زنان در رشته‌های مختلف فرهنگی، هنری، ورزشی، علمی و اجتماعی در جامعه شد و زنان خواهان فرصت‌های برابر با مردان برای رسیدن به جایگاههای بالاتر شدند. این افزایش حضور باعث ایجاد هویت جمعی در زنان شد.

نمونه این هویت - بخشی را می‌توان در حضور زنان در رسانه‌های مکتوب، به ویژه نشریات مشاهده کرد. افزایش نشریات ویژه زنان نشان دهنده تغییر فضای فرهنگی اجتماعی جامعه و تلاش زنان برای دست یافتن به فرصت‌های برابر در جامعه است. «تعداد ناشرین زن تا پایان سال ۱۳۷۸، به ۲۶۷ نفر رسید. در این زمان تعداد نشریات زنان به ۱۰ نشریه رسید. در سال ۱۳۷۷، ۷۲ نفر از زنان مدیر مسئول نشریات و ۵۵ نفر صاحب امتیاز بودن.» (مجله تعاون، ۱۳۸۰: ۳۸) تنوع نگرش‌های معطوف به زنان در نشریات آن دوران به خوبی مشهود بود. فصل‌نامه «ندا» به مدیر مسئولی زهرا مصطفی، دختر امام خمینی (ره) با هدف «پیشبرد موقعیت و احقاق حقوق زنان در خانه و خانواده» (گفتمان اصول‌گرای سنتی) نشریه پیام هاجر به مدیرمسئولی اعظم طالقانی فرزند آیتالله محمود طالقانی (گفتمان اعتدال‌گرا) روزنامه «زن» به مدیر مسئولی فائزه هاشمی بهرمانی (گفتمان اصلاح‌طلب) از جمله نشریات شاخص در آن دوره هستند. ورود زنان به کابینه دولت اصلاحات که برای اولین بار در دولت‌های بعد از انقلاب اتفاق می‌افتاد در هویت - بخشی به جامعه زنان نقش بزرگی داشت. گسترش فعالیت مرکز امور بانوان که به مرکز مشارکت امور زنان تغییر نام داده بود، موجی از مشارکت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی زنان را در سطح استانهای کشور به همراه داشت که نتیجه‌ی آن حضور زنان در شوراهای شهر و روستا و تغییر نگرش افکار عمومی نسبت به مسئولیتهای مدیریتی زنان بود. حضور زنان در شوراهای شهر و روستا و فعالیت در مراکز امور زنان باعث شد بخشی از مسایل مربوط به زنان که در دو دهه اول انقلاب نادیده گرفته شده بود، به عرصه نقد و گفت و گوی جمعی کشیده شود و رسانه‌ها نسبت به آن حساسیت نشان دهند. افزایش تعداد نشریات و روزنامه‌ها از دیگر شاخصهای دوران اصلاحات بود که نقش جهت‌دهی به افکار عمومی را به خوبی ایفا می‌کردند. گفتمان سیاست خارجی دولت اصلاحات و نگاه ویژه فضای بین‌الملل به مسایل مربوط به زنان در ایران، نقش مهمی در ایجاد فرصتهای برابر برای زنان در جامعه داشت. در این میان مجلس پنجم که اتفاقاً نمایندگان از جناح اصلاح‌طلب نبودند، تحت تأثیر فضای عمومی جامعه که خواهان فضای بیشتر برای دسترسی به فرصت‌های برابر بود، قوانین زیادی در حوزه زنان مصوب کرد.

نقش نمایندگان زن مجلس پنجم در تصویب طرح‌ها و لوایح مربوط به مطالبات زنان

در جهت ارائه‌ی نمایی کلی از عملکرد نمایندگان زن مجلس پنجم، به طور خلاصه به طرح‌ها و لوایحی که نمایندگان زن مجلس پنجم در تصویب آنها نقش داشتند اشاره می‌گردد:

فاطمه رمضان زاده
طرح تشکیل کمیسیون زنان، جوانان، خانواده؛ (رجبی، ۱۳۹۵: ۹۵-۹۴) قانون محاسبه و پرداخت مهریه به ارزش روز (همان، ۹۸) صلاح قانون اشتغال نیمه وقت بانوان؛ (همان، ص ۷۶) طرح اصلاح قانون انتخابات راجع به افزایش سطح سواد نمایندگان (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی دوره پنجم جلسه ۳۲۰: ۲۷)؛ طرح ایجاد دادگاه خانواده و الزام حضور قاضی مشاور زن در این دادگاه‌ها. (رجبی، ۱۳۹۵: ۲۱۸)
فاطمه کروی
اصلاح ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی مبنی بر عزل ولی قهری طفل و تعیین قیم و یا امین جدید، (همان، ۴۹۰) طرح اصلاح قانون بازنشستگی و ارث بردن زن شاغل و یا بازنشسته از حقوق بازنشستگی همسرش در صورت فوت او مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی دوره پنجم جلسه ۳۷۷: ۳۲-۳۴) و قانون تعمیم قوانین مربوط به همسران و فرزندان آزادگان. (رجبی، ۱۳۹۵: ۴۴۸)
زهره پیشگاهی
ارائه طرح تجدیدنظر در سهمیه ۴۰ درصدی اینترگران و حذف ارگانهای غیر مرتبط، ارائه طرح محرم‌سازی فضای آموزشی و آزادی پوشش دختران در فضاهای آموزشی دخترانه، ارائه طرح حذف تهاجم فرهنگی و اختصاص آن برای وام ازدواج جوانان، ارائه طرح خانه‌های استیجاری به شرط تملیک، طرح اصلاح آیین‌نامه‌های داخلی مجلس و پیشنهاد ایجاد تشکیل بین‌المجالس کشورهای اسلامی در ضمن او از مخالفین اصلاح قانون مطبوعات و از جمله استیضاح کنندگان عبدالله نوری وزیر کشور دولت خاتمی در مجلس پنجم بوده است (نظری، ۱۳۹۵: ۱۴۲)
الهه راستگو
قانون محاسبه و پرداخت مهریه به ارزش روز؛ اصلاح قانون اشتغال نیمه وقت بانوان؛ طرح ایجاد دادگاه خانواده و الزام حضور قاضی مشاور دادگاه خانواده و طرح اصلاح قانون انتخابات راجع به افزایش سطح سواد نمایندگان.
نیره اخوان بی طرف
قانون برقراری حقوق و مستمری زنان سرپرست خانوار پس از ازدواج مجدد؛ (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی دوره پنجم جلسه ۳۹: ۴۱-۴۲) طرح ادغام صندوق بازنشستگی کارکنان وزارت کشاورزی در صندوق بازنشستگی کشوری؛ طرح خدمت نیمه وقت مادران دارای فرزند معلول؛ مخالفت با حقوق مادام‌العمر مقامات سیاسی؛ طرح جداسازی دختران و پسران در دانشگاهها؛ ارث بردن زن هم از عرصه هم از اعیان؛ طرح ساماندهی مد و لباس، خانواده خانواده؛ طرح ایجاد بیمارستانهای تخصصی برای زنان؛ طرح الزام دانشگاهها و مراکز و موسسات آموزش عالی به پذیرش دانشجویان دختر در محل سکونت آنها؛ طرح تخصیص اعتبارات ویژه برای ازدواج جوانان؛ قانون تعیین تکلیف فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی. (نظری، ۱۳۹۵: ۱۳۸)
مرضیه صدیقی
طرح تقسیم خراسان به سه استان شمالی، جنوبی و رضوی؛ طرح اصلاح آیین‌نامه داخلی مجلس و ایجاد کمیسیون امور زنان جوانان و خانواده؛ طرح تشدید مجازات متعرضین به گروندگان خارجی که با تلاش او به تصویب رسید؛ اصلاح قانون اشتغال نیمه وقت بانوان؛ طرح و پیگیری طرح محاسبه مهریه به نرخ روز که تصویب شد؛ طرح اصلاح قانون انتخابات در مورد افزایش سطح سواد نمایندگان (همان، ۱۴۲)
فائزه هاشمی
اختصاص درصدی از درآمد فروش سیگار به امور ورزشی؛ طرح سرباز قهرمان؛ (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی دوره پنجم جلسه ۱۷۷: ۳۱-۳۰) طرح تکمیل سالن‌های ورزشی مخصوص بانوان؛ (همان: ۳۶) قانون اصلاح فصل سوم قانون گذرنامه؛ (رجبی، ۱۳۹۵: ۳۶) قانون اختصاص تعدادی از دادگاه‌های موجود به دادگاه خانواده و استفاده از مشاوران قضایی زن در این دادگاه‌ها.

گفتمان‌های «هویت‌یابی» و مشارکت زنان در انتخابات

مهم‌ترین نکته در درک تقابل میان مطالبات زنان ایرانی با قوانین موجود این است که از دوران مشروطیت که نظام سیاسی-اجتماعی ایران دارای قانون اساسی و قوانین مدنی گردید تا اکنون، بیشتر قوانین مربوط به حوزه‌ی زنان، توسط قانونگذاران مرد تهیه و تصویب شده‌اند و حتی مواردی نیز بوده که زنان نماینده، بسیار محافظه‌کار تر از نمایندگان مرد عمل می‌کرده‌اند. در ضمن، برخی از منتقدان حضور نمایشی زنان در پست‌های حکومتی بر این نظرند که برخی دولت‌ها، با استفاده ابزاری و نمایشی از زنان در پست‌های دولتی مربوط به امور زنان می‌کوشند تا سیاست‌های غلط جنسیتی خود را توجیه کرده و بدین‌وسیله گفتمان سنتی و رسمی مردسالارانه حکومت را تقویت کرده و آن را بیش از پیش نهادینه کنند.

نکته‌ی مهم دیگر در تحلیل مشارکت زنان ایران در انتخابات مجلس شورای اسلامی این است که علیرغم تلاش‌های همه‌جانبه زنان ایرانی، حضور نمایندگان زن در مجلس شورای اسلامی، به نسبت نمایندگان مرد، بسیار اندک است «در سه دوره اول انتخابات مجلس شورای اسلامی، به طور میانگین تنها ۱/۵ درصد نمایندگان مجلس از بین زنان انتخاب شده‌اند. دوره چهارم، پنجم و ششم تعداد نمایندگان زن سیر صعودی داشته و به حدود ۴/۵ درصد رسیده است. مجدداً این نسبت در دوره هفتم و هشتم سیر نزولی به خود گرفته و به کمتر از ۳ درصد کاهش یافته است» (رضوی الهاشم، ۱۳۸۸: ۶۷)

در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته یا در حال توسعه، در جهت افزایش نقش زنان در امور اجتماعی-سیاسی، برای آنان «سه‌میه حداقلی» برای انتخابات مجلس در نظر گرفته می‌شود. بدین جهت، وضعیت مشارکت سیاسی زنان در جهان، حتی در برخی از کشورهای توسعه‌نیافته نیز بسیار بالا ارزیابی شده است در صورتی که جایگاه ایران با توجه به استانداردهای جهانی بسیار پایین ارزیابی شده است. طبق آخرین آمار منتشره از سوی سازمان ملل سهم زنان ایران در مدیریت و قانونگذاری کشور ۱۶ درصد اعلام شده است. این در حالی است که کشورهای چون فیلیپین، آنگولا، جزایر کایمان، مغولستان به ترتیب ۵۸ درصد، ۵۲ درصد، ۵۱ درصد، ۵۰ درصد بالاترین سهم را دارند. رتبه جهانی ایران در میان ۱۲۰ کشور مورد بررسی ۱۰۱ تعیین شده است. (همان: ۶۱)

این نابرابری که از آن با عنوان «شکاف جنسیتی» نام برده می‌شود، بخشی از شاخص‌های منفی ایران در حوزه توسعه انسانی است و سرچشمه گرفته از گفتمانی است که حضور زنان را تنها در عرصه خصوصی جامعه و آنها تحت سرپرستی مردان به رسمیت می‌شناسد. آمارهای سال‌های اخیر نیز تاییدکننده حضور اندک زنان در عرصه قانون‌گذاری است «ایران با سهم کمتر از شش درصد عضویت زنان در مجلس (۱۷ نماینده زن از ۲۸۸ نماینده) در میان ۱۸۵ کشور جهان در رتبه ۱۷۳ قرار دارد و با حضور ۲ معاون در کابینه دولت، وضعیت مناسبی از نظر جایگاه سیاسی زنان در قدرت ندارد.» (ویسی، ۱۳۹۵: ۶)

گفتمان‌های هویتی در جمهوری اسلامی در قبال مطالبات زنان در مجلس

در راستای درک موقعیت زنان نماینده در پیگیری طرح‌ها و لوایح مربوط به زنان و خانواده، مسئله «هویت جنسیتی» و گفتمان هویت در جمهوری اسلامی امری بسیار کلیدی است. زنان نماینده در مجلس شورای اسلامی، مطابق با هویت جنسیتی تعریف شده توسط «فراگفتمان انقلاب اسلامی» نظام خانواده و حفاظت از کیان خانوادگی را از جمله مهم‌ترین وظایف زنان دانسته و مهم‌ترین نقشها را در تصویب لوایح و طرح‌های مربوط به خانواده و زنان ایفاء کرده‌اند.

نگرش اغلب نمایندگان زن در ایران با نگرش فمینیستی رایج در جهان متفاوت بوده و از منظر گفتمانی، مطالباتی همانند سقط جنین، برابری مطلق زن و مرد، مطالبات مربوط به هویت جنسی، آموزش‌های جنسی و... در نگرش آنان جایگاهی نداشته است. از منظر دیگر برخی نمایندگان زن، حتی گاه از محافظه‌کارترین مردان نیز محافظه‌کارتر بوده و تلاش بر تصویب قوانین ضد زن نیز داشته‌اند. در حالی که «جنبش زنان، در صدد سیاسی کردن قلمروی شخصی و وارد کردن مسائل شخصی به عرصه‌ی سیاست برآمده است» (روباتام، ۱۳۸۷: ۴۱۷) در نظام حکومتی ایران-به‌طور عام- و در نگرش زنان نماینده‌ی مجلس- به‌طور خاص- همواره تلاش

بر این بوده که حوزه‌های مربوط به زیست فردی و اجتماعی زنان همواره با مفهوم خانواده (همسر داری، فرزند آوری و تربیت فرزند) یکی دانسته شود و با مقدس انگاشته شدن نظام خانواده، مرزبندی‌های مشخصی میان مطالبات زنان و عرصه‌ی سیاست ایجاد گردد. با توجه به گرایش‌های سیاسی موجود در ایران (اصلاح طلب، اصول گرا و اعتدال گرا) گفت‌مان‌های مربوط به جایگاه زن در خانواده در جامعه‌ی ایران را می‌توان به سه دسته تقسیم‌بندی کرد:

الف) گفت‌مان اصول‌گرای سنتی مبتنی بر جایگاه سنتی زن در نظام خانواده (گفت‌مان مسلط بر نهادهای رسمی در نظام حکومتی ایران)

ب) گفت‌مان اصلاح طلب نوگرا مبتنی بر تعریف نوین جایگاه زن در اجتماع (گفت‌مان رایج در طبقه‌ی متوسط و مدرن جامعه)

پ) گفت‌مان اعتدال‌گرا مبتنی بر ترکیب جایگاه سنتی و نوگرای زنان در جامعه و خانواده (گفت‌مان رایج در طبقه‌ی متوسط سنتی جامعه)

در این میانه، گفت‌مان اصول‌گرای سنتی همواره گفت‌مان غالب در رده‌های کلان و میانه‌ی سیاست بوده و نقشی مهم در سیاست‌گذاری و تصمیمات کلان در خصوص زنان ایفاء نموده است. در خصوص این گفت‌مان‌ها ذکر چند نکته ضروری به نظر می‌رسد:

الف) گفت‌مان اعتدال‌گرا پس از دوران راست جمهوری حسن روحانی وارد ادبیات سیاسی ایران شده است و تا آن‌زمان گفت‌مان سیاسی بر مدار دو گفت‌مان اصول‌گرا و اصلاح طلب شکل گرفته بود.

ب) در دوران مجلس پنجم، اصطلاحات اصول‌گرا و اصلاح طلب چندان رایج نبودند و از واژه‌های چپی و راستی برای نام‌گذاری بر دو جریان سیاسی غالب در کشور استفاده می‌شد.

پ) از آنجایی که گفت‌مان اصلاح طلب، مطالبات زنان را در چارچوب شرع اسلام مطرح می‌کند، اطلاق نام اعتدال‌گرا بر آن، شاید صحیح‌تر باشد. اما مخالفت بخش گسترده‌ای از گفت‌مان اصول‌گرا با دیگر گونی در مفهوم زن سنتی، ادبیاتی را پدید آورده که هرگونه مطالبات جدید زنان را در چارچوب فمینیسم غربی معرفی می‌کند.

گفت‌مان اصول‌گرای سنتی تا زمان شکل‌گیری مجلس ششم آن‌چنان بر فضای مجلس سایه افکننده بود که پوشش تمامی نمایندگان زن تا آن دوره چادر بود و زمانی که الهه کولایی به عنوان نخستین زن با پوشش ماتو و بدون چادر وارد مجلس شد، اعتراضات زیادی را در میان قشر سنتی جامعه برانگیخته بود.

این تفکر سنتی خود دارای زیرشاخه‌هایی است: الف) تفکری که قائل به هیچ‌گونه به کنش اجتماعی به زنان نیست. ب) تفکری که فعالیت اجتماعی محدودی برای زنان قائل می‌شود و میان مسئولیت‌های خانوادگی (همسر داری، فرزند آوری و فرزند داری) و فعالیت اجتماعی-سیاسی زنان رابطه عکس قائل است. پ) تفکری که به کنش اجتماعی زنان فقط در جامعه زنان باور دارد.

بر اساس نظریات امام خمینی (ره) و مندرجات قانون اساسی، گفت‌مان اعتدال‌گرا را می‌توان گفت‌مان ایده‌آل و مناسب برای تصویب قوانین مربوط به زنان دانست. «در نظام اسلامی، زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد، حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن، حق رأی گرفتن. در تمام جهاتی که مرد حق دارد، زن هم حق دارد. لکن در مرد هم مواردی است که چیزهایی به دلیل پیدایش مفاسد بر او حرام است و هم در زن مواردی هست که به دلیل اینکه مفسده می‌آفریند حرام است. اسلام خواسته است که زن و مرد، حیثیت انسانی‌شان محفوظ باشد. اسلام خواسته است که زن ملعبه دست مرد نباشد.» (امام خمینی (ره) ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۸۹) با توجه به نگرش حاکم بر فراگفت‌مان انقلاب اسلامی که «خانواده» را اصلی‌ترین کانون آموزش و پرورش افراد جامعه می‌داند و برای آن تقدس قائل است، بدیهی است که زبان مورد استفاده در متون حقوقی، گفتارهای شفاهی و مکتوب رهبران و سیاستمداران، رسانه‌های رسمی و غیررسمی، نهادهای حکومتی و... واژه «خانواده» را «دال مرکزی» این گفت‌مان معرفی کند. نمونه‌ها: «در نظام حقوقی ایران که بر اساس ارزش‌های منبعث از حقوق اسلام است، نهاد خانواده از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار است.» (مدنی، ۱۳۷۲: ۵۰) یا: سهیلا جلودارزاده: «هر کلام و قدمی که در جهت اعاده حقوق اسلامی زنان برداشته شود موجب دلگرمی بیشتر آنان و تثبیت بیش از پیش

کانون خانواده و حرکت به سمت جامعه ای متخلّق به اخلاق اسلامی و دارای تربیت اسلامی خواهد بود. یا: مرضیه صدیقی: «باید حمایت اخلاقی و قانونی از زن انجام گیرد تا مرد در محیط خانواده نتواند زورگویی کند.» (مجلس شورای اسلامی: مشروح مذاکرات مجلس پنجم)

به عبارت دقیق تر، وجه مشترک هر سه گفتمان حاکم بر جمهوری اسلامی، توجه به خانواده است. تفاوت های شکلی و محتوایی این سه گفتمان در مسائلی همانند افزایش یا کاهش سن ازدواج دختران، ازدواج موقت، چندهمسری، جایگاه زنان در اجتماع، حق طلاق و... بروز یافته است. از منظر معرفت شناسی، ریشه ی تفاوت های میان این سه گفتمان به تقابل میان امور ذاتی (ثابت و بدون تغییر) و امور عرضی (متغیر و وابسته به زمان و مکان) باز می گردد. «بر همین اساس، از منظر گفتمان اصول گرایی، روابط میان زنان و مردان، هم چون سن ازدواج، اشتغال زنان، امور اقتصادی، حدود و دیات همگی جزو امور ذاتی و از منظر گفتمان اصلاح طلبی، این امور، عرضی هستند و باید متناسب با فرهنگ و عرف زمان، نوسازی شوند.» (معصومی، ۱۳۸۷: ۱۱۳) گفتمان اصول گرایی در جهت مشروعیت بخشی به مسئله ی سرپرستی مردان بر زنان از آموزه های دینی نیز بهره گرفته است. «در روایات نیز درباره ی عامل نقش زیستی در سوق دادن مرد به تصدی مسئولیت سرپرستی خانواده، به آموزه هایی برمی خوریم که در آن ها به ناتوانی نسبی زن تصریح شده است. حتی از برخی روایات استفاده می شود که این ناتوانی، سرچشمه ی طبیعی ذاتی دارد.» (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۹: ۲۴۸) بزرگ ترین دشواری در بازتعریف هویت زنان ایرانی، قرار گرفتن در سایه ی هویت مردانه یا به عبارت بهتر «تعریف هویت زنانه بر پایه ی تفکر مردانه» است. این دشواری ناشی از دو امر است: الف: تفکر عرفی مردسالارانه که ناشی از سن گذشته است ب: موانع قانونی که از زمان تصویب قانون اساسی مشروطه بدین سو، در اموری همانند ارث، حضانت فرزندان، دیه، اجازه ی اشتغال یا تحصیل، تابعیت و... چه در قوانین مدنی و چه در قوانین اساسی بازتاب یافته اند.

به عنوان نمونه در ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی مصوب سال ۱۳۱۴ (که تا اکنون نیز معتبر است) «مرد می تواند هر وقت بخواهد زن خود را طلاق بدهد.» (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۶۹۴) یا در ماده ۱۱۱۷ چنین ذکر شده که «شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند» (همان، ۶۷۷) تغییر در نگرش عرفی و قوانین غیر منطبق با مطالبات زنان امروز، مستلزم حرکت مداوم و خستگی ناپذیر زنان و مردان در سطوح مختلف اجتماعی و سیاسی ست. برای تحقق مطالبات زنان، جامعه ایران نیازمند جنبش های کنشگر، پویا و فراگیر (جنبش های مستقل زنان) و همچنین نمایندگان و مقامات دولتی (متخبین مردم در نهادهای حکومتی مانند نمایندگان منتخب زن مجلس و معاون و مشاور رئیس جمهور در امور زنان) دارد. چیزی که بر آن، نام «فمینیسم دولتی» نهاده شده است؛ منظور از فمینیست دولتی، کنش های آن دسته از نهادهای دولتی ست که رسماً مسئول ارتقای حقوق و وضعیت زنان هستند. اما مشکل در این است که «در ایران به اندیشه فمینیستی در نظریه سازمان پرداخته نشده است و بسیاری از دانشوران سازمانی با آن ناآشناوند» (خالقی؛ پورعزت، ۱۳۹۴: ۴۳۸) همچنین بعضی از محققان در دفاع از فمینیست دولتی معتقدند تغییر از درون یک سیستم، بهترین راه ایجاد تغییر است. در جامعه ایران که بخشی عظیمی از زنان، به امر خانه داری مشغول هستند، نمایندگان زن و زنان تحصیل کرده شاغل در نهادهای حکومتی می توانند بزرگ ترین گام ها را در مسیر بهبود وضعیت زنان بردارند.

نتایج اجتماعی-سیاسی تصویب برخی از قوانین مربوط به زنان در مجلس پنجم

فاصله میان قوانین مصوب در خصوص مطالبات زنان توسط مجلس شورای اسلامی با واقعیت های روز، یکی از آسیب های تصویب قانون در نظام قانون گذاری ایران است. اگرچه تصویب خود قانون، برای طراح آن، یک موفقیت به شمار می رود، اما امری که نباید آن را نادیده انگاشت، نتایج اجتماعی-سیاسی این قوانین در طول اجرا هستند. بسیاری از قوانین با توجه به تحولات زمان دچار تغییر می شوند (فسخ، اصلاحیه، الحاقیه و...) آزمون و خطای نظام های سیاسی، اجتماعی، میزان اثربخشی قوانین در سطح جامعه را آشکار می سازند. قوانین تصویب شده در مجلس پنجم نیز از این تغییرات برکنار نماندند.

در خصوص قانون اختصاص تعدادی از دادگاه‌های موجود به دادگاه‌های موضوع اصل ۲۱ قانون اساسی (دادگاه خانواده) در مرحله اجرای مشکلاتی پدید آمدند «امروزه دادگاه‌های خانواده از حیث نحوه رسیدگی، صدور حکم و اجرای تصمیمات، تابع قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۹ است و مشکلات ناشی از عدم انطباق این قانون عام و ضرورت به کارگیری تشریفات متناسب با دعاوی خانوادگی، قوه قضائیه رابر آن داشت که به تدوین لایحه حمایت خانواده همت گمارد.» (یاوری، ۱۳۸۶: ۶) سرانجام این قانون، پس از تصویب و لازم‌الاجرا شدن قانون حمایت از خانواده (طبق ماده‌ی ۵۸ قانون جدید) در سال ۱۳۹۱ فسخ گردید.

قانون الحاق یک بند یک تبصره به ماده (۶) قانون مطبوعات که در جامعه با نام «منع استفاده‌ی ابزاری از تصاویر زنان در مطبوعات» شناخته می‌شد، ابتدا طرح آن توسط منیره نوبخت نماینده تهران انجام گردید. با توجه به فضای مطبوعاتی در آن دوران، برخی این طرح را زمینه‌ساز ایجاد محدودیت برای مطبوعات می‌دانستند. از منظر برخی منتقدان، مدافعان این طرح با گنجاندن تبصره‌ی دیگری در آن، زمینه‌ی لغو امتیاز نشریات را فراهم کردند و بدین ترتیب، اولین حرکت کارساز تفکر سنتی برای توقف آگاه‌سازی زنان، در مطبوعات جامعه‌ی عمل پوشید و جز چند نماینده‌ی زن، سایر نمایندگان مجلس در برابر آن سکوت کردند. (ماهنامه زنان، ۱۳۷۸: ۷۱) در خصوص طرح انطباق امور اداری و فنی مؤسسات پزشکی با موازین شرع مقدس نیز جنجال‌های زیادی برپا گردید. از زمان مطرح شدن این طرح در کمیسیون فرهنگ و آموزش عالی، مباحث زیادی در میان محافل پزشکی در خصوص آن در گرفت «بسیاری از پزشکان، این طرح را توهین به جامعه‌ی پزشکی میدانستند و برخی نیز بر این نظر بودند که این طرح بیشتر وجه سیاسی دارد تا شرعی و فقهی» (فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، ۱۳۷۷: ۱۷-۱۶) برخی از نمایندگان زن همانند منیره نوبخت و مرضیه وحید دستجردی از مدافعان این طرح و برخی نیز همانند سهیلا جلودارزاده، فاطمه کروی و فاطمه رمضان‌زاده از مخالفین طرح انطباق و تفکیک بیمارستان‌ها و مراکز درمانی بر اساس جنسیت بودند و اعتقاد داشتند که این طرح در صورت اجرا، مشکلات زیادی را برای مراکز درمانی ایجاد خواهد کرد. به عنوان نمونه سهیلا جلودارزاده بر این باور بود که این طرح، حق انتخاب پزشک را از بیمار می‌گیرد؛ (همان: ۱۸) نکته مورد توجه در خصوص گرایش مثبت گفتمان سنتی (اصول‌گرا) به این طرح این بود که دو تن از نمایندگان زن مجلس، قدسیه علوی و نفیسه فیاض‌بخش، پیشنهادهایی برای جایگزینی این طرح به کمیسیون بهداری مجلس ارائه دادند که بر جداسازی کامل مراکز آموزشی و درمانی تأکید داشت. این پیشنهادها پشت درهای کمیسیون بهداری باقی ماند و به صحن مجلس راه نیافت؛ (ماهنامه زنان، ۱۳۷۸: ۷۱) معترضان اجرای طرح انطباق را به دلیل کمبود منابع و نیروی انسانی متخصص به زیان جامعه زنان در استفاده از امکانات پزشکی می‌دانستند. این طرح، سرانجام به شرط اجرا در مراکز که امکانات آنها برای انطباق فراهم باشد، به تصویب رسید. (حیدری، ۱۳۸۴: ۲۹۵) امری که در اجرا آشکار شد و مشکلات به تدریج خودنمایی کرد؛ اولین آن هم کمبود نیروی زن در تمام بخش‌ها بود. همین هم شد تا به تدریج از نیروی مرد استفاده شود، تا جایی که رئیس بیمارستان مهدیه (بیمارستانی که قرار بود صرفاً برای زنان باشد) از میان یک پزشک مرد انتخاب شد.

یکی از اقدامات خوب مجلس پنجم، تأسیس کمیسیون امور زنان، جوانان و خانواده در ۱۴ آذر ۱۳۷۵ بود که حداقل نصف اعضای آن در صورت حضور نماینده زن در مجلس، داوطلبان زن انتخاب می‌گردید. «تا سال آخر دوره پنجم نیز این کمیسیون فعالیت داشت در جلسه ۲۵۹ دوره پنجم مجلس شورای اسلامی کمیسیون زنان، جوانان و امور خانواده حذف و در کمیسیون فرهنگی مجلس ادغام شد و از کمیسیون به کمیته زنان جوانان و امور خانواده تبدیل شد.» (آیت‌اللهی و دیگران، ۱۳۸۳: ۱)

نتیجه‌گیری

موفقیت نمایندگان زن مجلس، در تصویب قوانین مربوط به حوزه‌ی زنان، امری نسبی است. پرسش اصلی این است که آیا تصویب قوانین مربوط به حوزه‌ی زنان، تنها به بازنمایی هویت سنتی زن ایرانی و گسترش هژمونی نظام سیاسی (بازتولید اقتدار سیاسی) در جامعه منجر شده یا این که مطالبات نیمه‌ی خاموش جامعه در آنها گنجانده شده و منجر با ایجاد بازتعریفی از هویت زن ایرانی منجر

شده است؟ موفقیت نمایندگان زن مجلس در تصویب قوانین مربوط به حقوق زنان، وابسته به یک عامل نیست و عوامل زیادی در آن دخیل هستند. این عوامل را می‌توان به دو بخش اصلی تقسیم کرد: بخش اول مربوط به درون مجلس است. وقتی تعداد نمایندگان زن درصد قابل توجهی از کل نمایندگان را شامل شود و سطح تحصیلات و تخصص آنان به گونه‌ای باشد که در کمیسیون‌ها تأثیرگذار باشند یا در هیئت رئیسه کمیسیون‌ها حضور داشته باشند، می‌توانند با طرح سؤال و ایجاد شرایط خاص رأی‌گیری، در روند قانون‌گذاری مؤثر باشند. عنصر دیگری که در درون مجلس تأثیرگذار است، بینش و همراهی نمایندگان مرد در هر دوره است. بخش دوم نیز مربوط به عوامل بیرون از مجلس است که بر عوامل داخل مجلس تأثیرگذار است. فعالیت مراکز مربوط به زنان در سراسر استان‌ها، تشکیل نهادهای غیردولتی و مردم‌نهاد با مواضع مربوط به زنان، حضور زنان در عرصه‌های مختلف فرهنگی-اجتماعی، ورود زنان به عرصه‌های سیاسی اجتماعی مانند شوراهای شهر و روستا، گسترش نشریاتی که به موضوع زنان در جامعه می‌پردازند، هم‌سویی دولتی که در رأس کار قرار دارد، فضای بین‌المللی و نهادهای حقوق بشری، پویایی فقه و نگرش نوین برخی مراجع و تغییرات فرهنگی اجتماعی که در سطح جامعه اتفاق می‌افتد، بر روند تصویب قوانین و موفقیت نمایندگان زن تأثیرگذار است.

منابع

۱. آیت‌اللهی، زهرا؛ رجبی، شهناز؛ فیاضی، پرنده (۱۳۸۳). نگاهی به کمیسیون امور زنان، جوانان و خانواده در دوره پنجم مجلس، شورای اسلامی، گزارش شماره ۷۱۴۶، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس
۲. احمدی خراسانی، نوشین؛ اردلان، پروین (۱۳۸۲). سناتور، تهران، نشر توسعه
۳. ارشدی، مریم (فروردین ۱۳۸۴). زنان و شش دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی، ویژه‌نامه پیام زن، دفتر سوم
۴. ازغندی، علیرضا (۱۳۸۵). درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، تهران: قومس.
۵. بی‌نا (۱۹ آبان ۱۳۹۴). نیمه‌ی دیگر تسخیر: دختران سفارت، روزنامه‌ی شرق، سال سیزدهم، ش ۲۴۴۴
۶. بی‌نا (۱۳۷۷). بازتاب طرح انطباق امور اداری و فنی مؤسسات پزشکی با موازین شرع مقدس، فصلنامه‌ی مطالعات حقوق خصوصی، ش ۳، صص ۱۹-۱۶
۷. جلودارزاده، سهیلا (۱۳۹۶). جلوه‌های مشارکت زنان در قانون‌گذاری، فصل‌نامه مطالعات زنان، ش ۱۲، صص ۱۰۵-۱۰۹.
۸. جوان آراسته، حسین (۱۳۸۳). مبانی حاکمیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قم: دبیرخانه‌ی مجلس خبرگان
۹. حیدری، احمد (فروردین ۱۳۸۴)، زن و خانواده در قوانین جمهوری اسلامی، ویژه‌نامه پیام زن، دفتر یکم، صص ۲۹۴-۳۲۰.
۱۰. خالقی، امیرحسین؛ پورعزت، علی اصغر (پاییز ۱۳۹۴)، فمینیسم در مطالعات سازمان، نشریه مدیریت دولتی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، دوره ۷، ش ۳، صص ۴۵۸-۴۳۷.
۱۱. خلجی، عباس (۱۳۸۱). اصلاحات آمریکایی و قیام ۱۵ خرداد، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۱۲. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۹). صحیفه‌ی امام، جلد ششم، تهران: موسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام
۱۳. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه‌ی امام، جلد پنجم، تهران: موسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام
۱۴. خواجه‌سروی، غلامرضا (۱۳۸۲). رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۱۵. رجبی، شهناز (۱۳۹۵). مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در مورد زنان و خانواده دوره پنجم، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
۱۶. رضوی‌الهاشم، بهزاد (آذر ۱۳۸۸)، تحلیل جایگاه مشارکت زنان در فرآیند توسعه سیاسی - اجتماعی انقلاب اسلامی ایران، فصل‌نامه تخصصی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۲۱، صص ۷۳-۶۰.
۱۷. روباتام، شیلا (۱۳۸۷). زنان در تکاپو: فمینیسم و کنش اجتماعی، ترجمه‌ی حشمت‌الله صباغی، تهران: نشر و پژوهش شیرازه
۱۸. زارعی، علی؛ یحیی، فوزی (۱۳۹۶)، تحلیل بافت سیاسی، اجتماعی نمایندگان مجلس شورای اسلامی ادوار اول تا پنجم، نشریه جستارهای سیاسی معاصر، دوره ۷، ش ۲۲، صص ۹۹-۱۲۴.
۱۹. ساناساریان، الیز (۱۳۸۴). جنبش حقوق زنان در ایران طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۱۳۵۷ ترجمه نوشین احمدی خراسانی، تهران: اختران

۲۰. شادی طلب، ژاله (21/8/96) واقعبتها از زبان زنانی که هنوز هستند، روزنامه شرق، ش ۳۰۰۹، به نقل از مجله فروغ، واحد مطالعات و حقوق زنان انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی، گفتگو با منیره گرجی فرد.
۲۱. شجاعی، زهرا (۱۳۸۳) برای زنان فردا، جلد اول تهران: امور مشارکت زنان انتشارات سوره مهر.
۲۲. شجیعی، زهرا (۱۳۷۲)، نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی نمایندگان مجلس شورای ملی، تهران: سخن.
۲۳. صلاح، مهدی (۱۳۸۴)، کشف حجاب: زمینه‌ها، پیامدها و واکنش‌ها، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۲۴. عسگری، ساره، شوهانی؛ سیاوش (تابستان ۱۳۸۹)، جدال موافقان و مخالفان حق رای زنان برای شرکت در انتخابات، نشریه پیام بهارستان، دوره دوم، سال دوم، ش ۸، ص ۶۶۸-۶۳۹.
۲۵. عظیمی دولت آبادی، امیر (۱۳۸۷)، منازعات سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۶. عیوضی، محمد (۱۳۸۵)، مشارکت سیاسی در ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵)، قانون مدنی در نظام حقوقی کنونی، تهران: میزان.
۲۸. کار، مهرانگیز (۱۳۸۰)، موانع و امکانات مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران: روشنگران.
۲۹. ماهنامه زنان، ویژه‌نامه نوروز ۱۳۷۸، سال ۷، شماره ۵۱.
۳۰. مجلس شورای اسلامی (1375/07/15) روزنامه شماره ۱۵۰۵۳، مرکز پژوهش‌های مجلس
۳۱. مجلس شورای اسلامی (1376/08/11) روزنامه شماره ۱۵۳۸۴، مرکز پژوهش‌های مجلس
۳۲. مجلس شورای اسلامی (1377/05/21) روزنامه شماره ۱۵۵۹۰، مرکز پژوهش‌های مجلس
۳۳. مجلس شورای اسلامی (1376/06/03) روزنامه شماره 15287، مرکز پژوهش‌های مجلس
۳۴. مجلس شورای اسلامی (1377/08/10) روزنامه شماره 15668، مرکز پژوهش‌های مجلس
۳۵. مجله تعاون، شهریور ۱۳۸۰، ش ۱۹۰.
۳۶. مجموعه قوانین دوره‌ی قانون‌گذاری دوره بیست و دوم مجلس شورای ملی ج هشتم
۳۷. مدنی، جلال‌الدین (۱۳۷۲)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: همراه.
۳۸. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی دوره پنجم جلسه ۱۷۷ مورخ ۱۳۷۶/۱۲/۱۳
۳۹. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی دوره پنجم جلسه ۳۲۰ مورخ ۱۳۷۸/۸/۹
۴۰. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی دوره پنجم جلسه ۳۷۷ مورخ ۱۳۷۹/۲/۱۳
۴۱. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی دوره پنجم جلسه ۳۹ مورخ ۱۳۷۵/۸/۲۰
۴۲. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی دوره دوم، جلسه ۲ مورخ ۸ شعبان / ۱۳۲۹
۴۳. مطهری، مرتضی (۱۳۶۴)، پیرامون انقلاب اسلامی، قم: حوزه علمیه.
۴۴. معاونت حقوقی ریاست جمهوری (۱۳۹۵)، مجموعه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: ریاست جمهوری.
۴۵. معصومی، سیدمسعود (۱۳۸۷)، فمینیسم در یک نگاه، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۴۶. نظری، منوچهر (۱۳۹۵)، زنان در عرصه‌ی قانون‌گذاری ایران، تهران: کویر.
۴۷. نفیسی، سعید (۱۳۷۸)، گزارشی از وضعیت مدارس از مشروطیت تا پهلوی: اسناد مدارس دخترانه از مشروطه تا پهلوی، به کوشش سهیلا ترابی فارسانی، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
۴۸. ویسی، هادی (۹۵/۵/۷) زنان در سیاست و قدرت، روزنامه شرق، ش ۲۶۴۲، ص ۶
۴۹. هاشمی، محمد (۱۳۸۶)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران ج ۱، تهران: میزان.
۵۰. یآوری، فتح‌الله (۱۳۸۶)، دادگاه خانواده در نظام قضایی ایران، نشریه‌ی فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، سال ۱۲، شماره ۴۸، ص ۱۵-۱.
۵۱. یزدان‌پناه‌درو، کیومرث؛ غلامی، مجید؛ فریدونیان، زهره؛ جعفری، مهتاب (تابستان ۱۳۹۶)، بررسی جغرافیایی حضور زنان در مجلس شورای اسلامی در ایران (با تأکید بر مجلس دهم) نشریه زن در فرهنگ و هنر، دوره ۹، ش ۲، ص ۳۱۳-۲۹۱.